

الفبای میخی پارسی

𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
𐎤	𐎥	𐎦	𐎧
𐎨	𐎩	𐎪	𐎫
𐎬	𐎭	𐎮	𐎯
𐎰	𐎱	𐎲	𐎳
𐎴	𐎵	𐎶	𐎷
𐎸	𐎹	𐎺	𐎻
𐎼	𐎽	𐎾	𐎿
𐏀	𐏁	𐏂	𐏃
𐏄	𐏅	𐏆	𐏇
𐏈	𐏉	𐏊	𐏋
𐏌	𐏍	𐏎	𐏏
𐏐	𐏑	𐏒	𐏓
𐏔	𐏕	𐏖	𐏗
𐏘	𐏙	𐏚	𐏛
𐏜	𐏝	𐏞	𐏟
𐏠	𐏡	𐏢	𐏣
𐏤	𐏥	𐏦	𐏧
𐏨	𐏩	𐏪	𐏫
𐏬	𐏭	𐏮	𐏯
𐏰	𐏱	𐏲	𐏳
𐏴	𐏵	𐏶	𐏷
𐏸	𐏹	𐏺	𐏻
𐏼	𐏽	𐏾	𐏿
𐐀	𐐁	𐐂	𐐃
𐐄	𐐅	𐐆	𐐇
𐐈	𐐉	𐐊	𐐋
𐐌	𐐍	𐐎	𐐏
𐐐	𐐑	𐐒	𐐓
𐐔	𐐕	𐐖	𐐗
𐐘	𐐙	𐐚	𐐛
𐐜	𐐝	𐐞	𐐟
𐐠	𐐡	𐐢	𐐣
𐐤	𐐥	𐐦	𐐧
𐐨	𐐩	𐐪	𐐫
𐐬	𐐭	𐐮	𐐯
𐐰	𐐱	𐐲	𐐳
𐐴	𐐵	𐐶	𐐷
𐐸	𐐹	𐐺	𐐻
𐐼	𐐽	𐐾	𐐿
𐑀	𐑁	𐑂	𐑃
𐑄	𐑅	𐑆	𐑇
𐑈	𐑉	𐑊	𐑋
𐑌	𐑍	𐑎	𐑏
𐑐	𐑑	𐑒	𐑓
𐑔	𐑕	𐑖	𐑗
𐑘	𐑙	𐑚	𐑛
𐑜	𐑝	𐑞	𐑟
𐑠	𐑡	𐑢	𐑣
𐑤	𐑥	𐑦	𐑧
𐑨	𐑩	𐑪	𐑫
𐑬	𐑭	𐑮	𐑯
𐑰	𐑱	𐑲	𐑳
𐑴	𐑵	𐑶	𐑷
𐑸	𐑹	𐑺	𐑻
𐑼	𐑽	𐑾	𐑿
𐒀	𐒁	𐒂	𐒃
𐒄	𐒅	𐒆	𐒇
𐒈	𐒉	𐒊	𐒋
𐒌	𐒍	𐒎	𐒏
𐒐	𐒑	𐒒	𐒓
𐒔	𐒕	𐒖	𐒗
𐒘	𐒙	𐒚	𐒛
𐒜	𐒝	𐒞	𐒟
𐒠	𐒡	𐒢	𐒣
𐒤	𐒥	𐒦	𐒧
𐒨	𐒩	𐒪	𐒫
𐒬	𐒭	𐒮	𐒯
𐒰	𐒱	𐒲	𐒳
𐒴	𐒵	𐒶	𐒷
𐒸	𐒹	𐒺	𐒻
𐒼	𐒽	𐒾	𐒿
𐓀	𐓁	𐓂	𐓃
𐓄	𐓅	𐓆	𐓇
𐓈	𐓉	𐓊	𐓋
𐓌	𐓍	𐓎	𐓏
𐓐	𐓑	𐓒	𐓓
𐓔	𐓕	𐓖	𐓗
𐓘	𐓙	𐓚	𐓛
𐓜	𐓝	𐓞	𐓟
𐓠	𐓡	𐓢	𐓣
𐓤	𐓥	𐓦	𐓧
𐓨	𐓩	𐓪	𐓫
𐓬	𐓭	𐓮	𐓯
𐓰	𐓱	𐓲	𐓳
𐓴	𐓵	𐓶	𐓷
𐓸	𐓹	𐓺	𐓻
𐓼	𐓽	𐓾	𐓿
𐔀	𐔁	𐔂	𐔃
𐔄	𐔅	𐔆	𐔇
𐔈	𐔉	𐔊	𐔋
𐔌	𐔍	𐔎	𐔏
𐔐	𐔑	𐔒	𐔓
𐔔	𐔕	𐔖	𐔗
𐔘	𐔙	𐔚	𐔛
𐔜	𐔝	𐔞	𐔟
𐔠	𐔡	𐔢	𐔣
𐔤	𐔥	𐔦	𐔧
𐔨	𐔩	𐔪	𐔫
𐔬	𐔭	𐔮	𐔯
𐔰	𐔱	𐔲	𐔳
𐔴	𐔵	𐔶	𐔷
𐔸	𐔹	𐔺	𐔻
𐔼	𐔽	𐔾	𐔿
𐕀	𐕁	𐕂	𐕃
𐕄	𐕅	𐕆	𐕇
𐕈	𐕉	𐕊	𐕋
𐕌	𐕍	𐕎	𐕏
𐕐	𐕑	𐕒	𐕓
𐕔	𐕕	𐕖	𐕗
𐕘	𐕙	𐕚	𐕛
𐕜	𐕝	𐕞	𐕟
𐕠	𐕡	𐕢	𐕣
𐕤	𐕥	𐕦	𐕧
𐕨	𐕩	𐕪	𐕫
𐕬	𐕭	𐕮	𐕯
𐕰	𐕱	𐕲	𐕳
𐕴	𐕵	𐕶	𐕷
𐕸	𐕹	𐕺	𐕻
𐕼	𐕽	𐕾	𐕿
𐖀	𐖁	𐖂	𐖃
𐖄	𐖅	𐖆	𐖇
𐖈	𐖉	𐖊	𐖋
𐖌	𐖍	𐖎	𐖏
𐖐	𐖑	𐖒	𐖓
𐖔	𐖕	𐖖	𐖗
𐖘	𐖙	𐖚	𐖛
𐖜	𐖝	𐖞	𐖟
𐖠	𐖡	𐖢	𐖣
𐖤	𐖥	𐖦	𐖧
𐖨	𐖩	𐖪	𐖫
𐖬	𐖭	𐖮	𐖯
𐖰	𐖱	𐖲	𐖳
𐖴	𐖵	𐖶	𐖷
𐖸	𐖹	𐖺	𐖻
𐖼	𐖽	𐖾	𐖿
𐗀	𐗁	𐗂	𐗃
𐗄	𐗅	𐗆	𐗇
𐗈	𐗉	𐗊	𐗋
𐗌	𐗍	𐗎	𐗏
𐗐	𐗑	𐗒	𐗓
𐗔	𐗕	𐗖	𐗗
𐗘	𐗙	𐗚	𐗛
𐗜	𐗝	𐗞	𐗟
𐗠	𐗡	𐗢	𐗣
𐗤	𐗥	𐗦	𐗧
𐗨	𐗩	𐗪	𐗫
𐗬	𐗭	𐗮	𐗯
𐗰	𐗱	𐗲	𐗳
𐗴	𐗵	𐗶	𐗷
𐗸	𐗹	𐗺	𐗻
𐗼	𐗽	𐗾	𐗿
𐘀	𐘁	𐘂	𐘃
𐘄	𐘅	𐘆	𐘇
𐘈	𐘉	𐘊	𐘋
𐘌	𐘍	𐘎	𐘏
𐘐	𐘑	𐘒	𐘓
𐘔	𐘕	𐘖	𐘗
𐘘	𐘙	𐘚	𐘛
𐘜	𐘝	𐘞	𐘟
𐘠	𐘡	𐘢	𐘣
𐘤	𐘥	𐘦	𐘧
𐘨	𐘩	𐘪	𐘫
𐘬	𐘭	𐘮	𐘯
𐘰	𐘱	𐘲	𐘳
𐘴	𐘵	𐘶	𐘷
𐘸	𐘹	𐘺	𐘻
𐘼	𐘽	𐘾	𐘿
𐙀	𐙁	𐙂	𐙃
𐙄	𐙅	𐙆	𐙇
𐙈	𐙉	𐙊	𐙋
𐙌	𐙍	𐙎	𐙏
𐙐	𐙑	𐙒	𐙓
𐙔	𐙕	𐙖	𐙗
𐙘	𐙙	𐙚	𐙛
𐙜	𐙝	𐙞	𐙟
𐙠	𐙡	𐙢	𐙣
𐙤	𐙥	𐙦	𐙧
𐙨	𐙩	𐙪	𐙫
𐙬	𐙭	𐙮	𐙯
𐙰	𐙱	𐙲	𐙳
𐙴	𐙵	𐙶	𐙷
𐙸	𐙹	𐙺	𐙻
𐙼	𐙽	𐙾	𐙿
𐚀	𐚁	𐚂	𐚃
𐚄	𐚅	𐚆	𐚇
𐚈	𐚉	𐚊	𐚋
𐚌	𐚍	𐚎	𐚏
𐚐	𐚑	𐚒	𐚓
𐚔	𐚕	𐚖	𐚗
𐚘	𐚙	𐚚	𐚛
𐚜	𐚝	𐚞	𐚟
𐚠	𐚡	𐚢	𐚣
𐚤	𐚥	𐚦	𐚧
𐚨	𐚩	𐚪	𐚫
𐚬	𐚭	𐚮	𐚯
𐚰	𐚱	𐚲	𐚳
𐚴	𐚵	𐚶	𐚷
𐚸	𐚹	𐚺	𐚻
𐚼	𐚽	𐚾	𐚿
𐛀	𐛁	𐛂	𐛃
𐛄	𐛅	𐛆	𐛇
𐛈	𐛉	𐛊	𐛋
𐛌	𐛍	𐛎	𐛏
𐛐	𐛑	𐛒	𐛓
𐛔	𐛕	𐛖	𐛗
𐛘	𐛙	𐛚	𐛛
𐛜	𐛝	𐛞	𐛟
𐛠	𐛡	𐛢	𐛣
𐛤	𐛥	𐛦	𐛧
𐛨	𐛩	𐛪	𐛫
𐛬	𐛭	𐛮	𐛯
𐛰	𐛱	𐛲	𐛳
𐛴	𐛵	𐛶	𐛷
𐛸	𐛹	𐛺	𐛻
𐛼	𐛽	𐛾	𐛿
𐜀	𐜁	𐜂	𐜃
𐜄	𐜅	𐜆	𐜇
𐜈	𐜉	𐜊	𐜋
𐜌	𐜍	𐜎	𐜏
𐜐	𐜑	𐜒	𐜓
𐜔	𐜕	𐜖	𐜗
𐜘	𐜙	𐜚	𐜛
𐜜	𐜝	𐜞	𐜟
𐜠	𐜡	𐜢	𐜣
𐜤	𐜥	𐜦	𐜧
𐜨	𐜩	𐜪	𐜫
𐜬	𐜭	𐜮	𐜯
𐜰	𐜱	𐜲	𐜳
𐜴	𐜵	𐜶	𐜷
𐜸	𐜹	𐜺	𐜻
𐜼	𐜽	𐜾	𐜿
𐝀	𐝁	𐝂	𐝃
𐝄	𐝅	𐝆	𐝇
𐝈	𐝉	𐝊	𐝋
𐝌	𐝍	𐝎	𐝏
𐝐	𐝑	𐝒	𐝓
𐝔	𐝕	𐝖	𐝗
𐝘	𐝙	𐝚	𐝛
𐝜	𐝝	𐝞	𐝟
𐝠	𐝡	𐝢	𐝣
𐝤	𐝥	𐝦	𐝧
𐝨	𐝩	𐝪	𐝫
𐝬	𐝭	𐝮	𐝯
𐝰	𐝱	𐝲	𐝳
𐝴	𐝵	𐝶	𐝷
𐝸	𐝹	𐝺	𐝻
𐝼	𐝽	𐝾	𐝿
𐞀	𐞁	𐞂	𐞃
𐞄	𐞅	𐞆	𐞇
𐞈	𐞉	𐞊	𐞋
𐞌	𐞍	𐞎	𐞏
𐞐	𐞑	𐞒	𐞓
𐞔	𐞕	𐞖	𐞗
𐞘	𐞙	𐞚	𐞛
𐞜	𐞝	𐞞	𐞟
𐞠	𐞡	𐞢	𐞣
𐞤	𐞥	𐞦	𐞧
𐞨	𐞩	𐞪	𐞫
𐞬	𐞭	𐞮	𐞯
𐞰	𐞱	𐞲	𐞳
𐞴	𐞵	𐞶	

خط و خوشنویسی

در گذر زمان

حمیدرضا قلیچ خانی



خط اندیشه نگار است. خط آوا نگار پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر از اندیشه نگار است و برخلاف آنچه تجربه و آموخته‌ی ما تلقین می‌کند، طبیعی‌تر یا لزوماً کارآمدتر نیست، بلکه از بسیاری جهات، فرایندی پر پیچ و خم و تا حدی غیر طبیعی است. اندیشه، در آغاز به آوایی از یک واژه یا جمله‌ی فرضی در زبانی مشخص، برگردانده شده و سپس به شکل نشانه‌ای بر یک صفحه، منعکس می‌گردد. این نشانه اغلب با مفهوم اصلی اندیشه، کوچک‌ترین رابطه‌ای ندارد. این خط، کاملاً قراردادی است و تنها اهل آن زبان و خط، توانایی درک آن را دارند. امروزه بیشتر کشورها از خط‌های آوانگار استفاده می‌کنند.

خط در ایران

به جز خط میخی فارسی و خط دین دبیری که برای نوشتن زبان فارسی باستان و اوستایی به وجود آمد، خطوط دیگری که زبان‌های ایرانی با آنها نوشته شده یا اقتباسی بوده و یا در آغاز برای کتابت زبان‌های دیگری پیدا شده بود.

خط در ایران را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد. دوره‌ی نخست تا پایان پادشاهی هخامنشیان (۳۳۸ ق. م / ۹۵۲ ه. ق) را در برمی‌گیرد. دوره‌ی دیگر را که میانه نامیده‌اند شامل اشکانیان و ساسانیان است و دوره‌ی سوم که همانا دوره‌ی اسلامی به شمار می‌رود.

پیدایش خط به نقل از شاهنامه‌ی فردوسی از این قرار است که دیوان برای نجات از اسارت، این هنر را به تهمورث (چهارمین پادشاه سلسله‌ی پیشدادیان) آموختند: چو تهمورث آگه شد از کارشان برآشفتم و بشکست بازرشان کشیدندشان خسته و بسته خوار به جان خواستند آن زمان زینهار که ما را مکش تا یکی نو هنر بیاموزی از ما کت‌آید به بر نبستن به خسرو بیاموختند دلش را به دانش برافروختند نبستن یکی نه که نزدیک سی چه رومی چه تازی و چه پارسی چه سغدی، چه چینی و چه پهلوی نگاریدن آن کجا بشنوی

پژوهشگران غربی که از اوایل سده‌ی نوزدهم میلادی با تلاشی چشمگیر به طبقه‌بندی و رمزگشایی خط‌های کهن همت گماشتند، تمامی خطوط را به دو دسته‌ی اندیشه نگار و آوا نگار تقسیم کرده‌اند. در خط‌های اندیشه نگار، اندیشه به طور مستقیم منتقل می‌شود. برای نمونه: تصویر پا می‌تواند به معنای پا یا رفتن باشد. امروز خط در کشورهایی چون چین و ژاپن ادامه‌ی

کتابخانه ملی ایران
موزه خط و نگارش

نقشه ام الجبال (۲۲۷۱)

۱. کتب خطی کهن
۲. کتب خطی کهن
۳. کتب خطی کهن
۴. کتب خطی کهن
۵. کتب خطی کهن

کتابخانه نشاره (۲۲۲۸)

کتابخانه نشاره (۲۲۲۸)

کتابخانه نشاره (۲۲۲۸)

کتابخانه نشاره (۲۲۲۸)

کتابخانه نشاره (۲۲۲۸)

کتابخانه نشاره (۲۲۲۸)

(ب) دوره‌ی میانه:

پس از دوره‌ی هخامنشیان، برای نوشتن زبان‌های ایرانی میانه، خط‌هایی استفاده می‌شد که همگی از خط آرامی مشتق شده بودند. آرامیان مردمانی سامی بوده‌اند که در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد در شام و بین‌النهرین می‌زیستند. آنان در سال ۶۲۵ پیش از میلاد، دولت کلدان را در بابل، بنیاد نهادند. کوروش بزرگ (تاجگذاری ۱۱۶۰ ق. ه. / این دولت را در سال ۵۳۹ ق. م. برانداخت و بابل را استانی از امپراتوری هخامنشی ساخت. در سده‌های هفتم و هشتم پیش از میلاد زبان آرامی جای زبان اکدی را گرفت و همچون زبانی بین‌المللی در منطقه‌ای که امروزه خاورمیانه نامیده می‌شود، رایج گشت. آرامیان زبان خود را به خطی که از فنیقیان گرفته بودند، می‌نوشتند. زبان آرامی در میان یهود رایج شد و جانشین عبری گشت. زبان مسیح و حواریون او نیز آرامی بوده است.

هخامنشیان نیز زبان آرامی را زبان رسمی خود ساخته و در تمام قلمروشان به کار بردند. پس از سقوط هخامنشیان تا اوایل سده‌ی سوم پیش از میلاد، این زبان کم‌کم رو به افول گذاشت. هیچ سندی در دست نیست تا از روی آن بتوان گفت که خط آرامی در چه زمانی و به دست چه کسانی تحول یافته و به خط پهلوی تبدیل شده است. دو خط بسیار رایج در این دوره عبارت است از:

(ا) خط پهلوی: از دوره‌ی اشکانیان تا سه سده‌ی پس از

اسلام در سنگ نوشته‌ها، سکه‌ها، کتاب‌ها و رساله‌هایی که به زبان پهلوانیک و پارسیک آمده، استفاده شده است. خط پهلوی را می‌توان سه گونه دانست:

- پهلوی شمال شرقی که خط اشکانیان بوده و بیشتر بر روی سکه‌ها و مهرهای این دوره که به زبان پارسی است، دیده می‌شود.

- پهلوی جنوب غربی که خط ساسانیان (سده‌های سوم و چهارم م.) به زبان فارسی میانه بوده و به دو صورت یکی در کتیبه‌ها و سکه‌ها و دیگری به شکل تحریری در نامه‌ها و کتاب‌ها به کار رفته است. این خط دارای نوزده حرف است که مانند حروف پارسی، در نگارش به هم نمی‌چسبند.

- پهلوی شرقی که تنها شکل تحریری آن در دست است و در نوشتن بعضی از زبان‌های شرقی ایرانی میانه به کار می‌رفته است. این خط بیشتر برای نگارش آثار زرتشتی به زبان فارسی میانه به کار گرفته شده است آثاری چون: ارداویراف نامه‌ها، یادگار زریران و... از جمله متن‌های پهلوی زرتشتی است.

از عیب‌های بزرگ خط پهلوی که خواندن آن را دشوار می‌سازد، یکی ترکیب حرف‌ها با یکدیگر است که غالباً صورتی متفاوت با هر دو حرف، از آنها به دست می‌آید. دیگر اینکه یک



یک تکه از کتاب مانوی، قرن ۸ و ۹ میلادی، خوچو، (تاثیر هنر هند).

پس از وی هنری راولینسن^۵ (۱۸۱۰-۱۸۹۵ م) که از افسران انگلیسی بود، در سال ۱۸۳۵ م. به سمت مشاور نظامی به استخدام دولت ایران درآمد. وی بر اثر کنجکاوی و علاقه‌مندی ویژه‌اش پس از سال‌ها کوشش موفق به خواندن کتیبه‌ی بیستون، طولانی‌ترین نوشته‌ی پارسی باستان، شد. بیشتر کتیبه‌های این دوره به سه زبان فارسی باستان، اکدی و عیلامی نوشته شده است.

ترجمه‌ی نخستین ستون کتیبه‌ی بیستون چنین است: «من هستم داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورها، پس ویشناسیه، نوه‌ی ارشامه‌ی هخامنشی.» دیگر خط‌های دوره‌ی باستان عبارت است از:

- خط سومری: از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در سومر (جنوب عراق امروزی) متداول بوده است.

- خط اکدی: از هزاره‌ی سوم تا هزاره‌ی اول پیش از میلاد در بین‌النهرین رایج بوده و ۶۰۰ نشانه برای نشان دادن واژه‌ها و هجاها داشته است.

- خط عیلامی: از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در عیلام (خوزستان امروزی) رایج بوده است.

حرفی که برای نشان دادن مصوت‌ها به کار می‌رود، مصوتی نیز همراه دارند و از این رو می‌توان این خط را هجایی دانست، هر چند که این خط آمیخته‌ای از الفبایی و هجایی است. این خط از چپ به راست نوشته می‌شود و تا پایان پادشاهی هخامنشیان (۳۲۸ ق. م / ۹۵۲ ق. ه.) رایج بود، اما پس از آن از رواج افتاد و بعدها خواندن آن نیز فراموش شد. از سده‌های چهارم و سوم پیش از میلاد تا اوایل سده‌ی نوزدهم میلادی در طی بیست سده، کتیبه‌های بازمانده از این خط و نیز بسیاری از خط‌های میخی دیگر، ناخوانا باقی ماند. گفتنی است که این کتیبه‌ها بسیار زودتر از خطی چون هیروگلیف مصری ناآشنا شد.

نخستین کسی که در کشف خط میخی فارسی گامی بلند برداشت، گئورگ فریدریش گروتفند^۶ (۱۷۷۵-۱۸۵۳ م) آلمانی بود که اطلاع چندانی از زبان‌های شرقی نداشت. نخستین موفقیت وی در سال ۱۸۰۲ م. با خواندن این متن انجام شد: «داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر ویشناسیه، هخامنشی، آن که این کاخ را ساخت.»



کار گرفته شد. ایرانیان تا اوایل سده‌ی هفتم که بار دیگر مورد تاخت و تاز (مغولان) قرار گرفتند از خط کوفی و خطوط ششگانه (شامل: ثلث، نسخ، محقق، ریحان، توقیع و رقاع) استفاده کردند. از این دوره (سده‌ی هفتم) نهضت ابداع قلم‌هایی که ویژگی ایرانیان است، البته با همان الفبای عربی آغاز گشت. نتیجه‌ی تلاش‌های پیگیر و هنرمندانه‌ی خوشنویسان ایرانی به پیدایش سه خط تعلیق، نستعلیق و شکسته‌ی نستعلیق انجامید. گفتنی است که برخی صاحب‌نظران خط تعلیق را نیز به دو شیوه‌ی ساده و شکسته تقسیم کرده‌اند.

در آغاز دوره‌ی اسلامی، دو شیوه‌ی خط که ریشه‌ی آرامی داشتند در میان اعراب رایج بود. یکی درمکه و مدینه که نسخ یا نسخی نامیده می‌شد و دیگری در حیره که به کوفی (چون بعدها کوفه جای حیره را گرفت) شهرت یافت. خط عربی از خط نبطی اقتباس شده است. نبطیان از نظر نژاد و زبان با اعراب برادرند، چون دیگر اقوام شمال عربستان، به شدت تحت تأثیر آرامی بودند. این قوم از حدود ۱۵۰ پیش از میلاد از زبان و خط آرامی بهره گرفتند. نبطیان حتی پیش از آن که استقلال یابند به نوشتن آثار و ضرب سکه به زبان و خط آرامی پرداختند که

- خط برهمایی: تنها زبان ایرانی که به خط برهمایی هند کتابت شده، زبان ختنی (سکایی) از گروه شرقی زبان‌های ایرانی میانه است.

در سده‌ی هشتم یا هفتم پیش از میلاد، بازرگانان اقوام سامی، خط آرامی را به هند بردند. بیشتر خط‌های رایج در هند از این خط که نیمه الفبایی و نیمه هجایی است، گرفته شده است.

ج) دوره‌ی اسلامی

پس از بعثت پیامبر اسلام (ص)، عرب‌ها به کشورهای از جمله ایران حمله کردند. سپاه ایران در سال ۱۴ هـ. در قادسیه شکست خورد و عرب‌ها تیسفون (مدائن) را گرفته و غارت کردند. سپس در سال ۱۶ هـ. در جولای بار دیگر در سال ۲۱ هـ. در نهانده، سپاهیان عرب بر ایرانیان چیره گشتند. از این رو از سال ۷۴۲ م. کاربرد زبان و خط عربی در خراسان و ماوراءالنهر ضروری شد. از سده‌ی سوم هجری که فارسی دری و نیز شعر و ادبیات دری، جوانه‌های تازه‌ای زد، خط عربی در سراسر ایران به جای خط‌های دوره‌ی میانه برای کتابت زبان فارسی جدید به



حرف، نشانه‌ی چند واک گوناگون است و تنها از روی قرینه و آشنایی به زبان می‌توان دریافت که هر حرف چگونه باید خوانده شود.

دیگر خط‌های دوره‌ی میانه:

- خط مانوی: مانی (تولد ۲۱۵ م.) الفبای خود را از الفبای تدمری (خرابه‌های آن در نزدیکی حمص سوریه قرار دارد) اقتباس کرده است. الفبای مانوی از راست به چپ نوشته می‌شود و حرف‌های آن به هم نمی‌چسبند و از این رو همیشه یک صورت دارند. آثار مهم این خط در ترکستان چین کشف شده که با قلمی زیبا و خوانا روی کاغذهای مرغوب با مرکب‌های رنگارنگ و گاه با نقاشی‌های شگفت‌انگیز آراسته شده است.

- خط سغدی: نستوریان (آسوریان) سریانی حدود سده‌ی پنجم میلادی، در سرزمین سغد سکنی گزیدند و گروهی از سغدی‌زبانان به مسیحیت گرویدند. پس از آن خط سریانی (که اصل آرامی داشت) برای نوشتن زبان سغدی به کار گرفته شد.

زبان اوستایی با خط اوستایی یا دین دبیری نوشته شده است. این الفبا گویا در اواخر دوره‌ی ساسانی (حدود سده‌ی ششم میلادی) برای نوشتن اوستا که تا آن زمان سینه به سینه نقل می‌شد، از روی الفبای پهلوی کتابی (خطی که کتاب‌های پهلوی بدان نوشته شده) و زبوری (خطی که در ترجمه‌ی زبور به پهلوی به کار می‌رفته) ساخته شده است. این خط برای هر یک از آوهای زبان اوستایی نشانه‌ای ویژه دارد. از راست به چپ نوشته می‌شود و هر کلمه با نقطه‌ای از کلمه‌ی دیگر جدا می‌گردد. در الفبای اوستایی متکی به پهلوی کتابی، ۱۴ صوت برای واک (مصوت) و ۳۵ نشانه برای همخوان‌ها و نیم واک‌ها وجود دارد. زمان کتابت دستنوشته‌های اوستایی موجود، پیشتر از سده‌ی سیزدهم تا چهاردهم میلادی نیست. کهن‌ترین سندی که

(۲) خط اوستایی (دین دبیری)

زبان اوستایی با خط اوستایی یا دین دبیری نوشته شده است. این الفبا گویا در اواخر دوره‌ی ساسانی (حدود سده‌ی ششم میلادی) برای نوشتن اوستا که تا آن زمان سینه به سینه نقل می‌شد، از روی الفبای پهلوی کتابی (خطی که کتاب‌های پهلوی بدان نوشته شده) و زبوری (خطی که در ترجمه‌ی زبور به پهلوی به کار می‌رفته) ساخته شده است. این خط برای هر یک از آوهای زبان اوستایی نشانه‌ای ویژه دارد. از راست به چپ نوشته می‌شود و هر کلمه با نقطه‌ای از کلمه‌ی دیگر جدا می‌گردد. در الفبای اوستایی متکی به پهلوی کتابی، ۱۴ صوت برای واک (مصوت) و ۳۵ نشانه برای همخوان‌ها و نیم واک‌ها وجود دارد. زمان کتابت دستنوشته‌های اوستایی موجود، پیشتر از سده‌ی سیزدهم تا چهاردهم میلادی نیست. کهن‌ترین سندی که

بالای حرف و اندکی جلوتر از حرف باشد، ضمه خوانده خواهد شد.

ب: نوشته‌هایی که دارای اعراب و نقطه است. در این نمونه‌ها نقطه‌ها با دایره‌های کوچک‌تر و اعراب با دایره‌های بزرگ‌تر و بیشتر رنگین، نوشته می‌شوند.

ج: نوشته‌هایی که دارای اعراب و نقطه است. به این صورت که نقطه‌ها را با خط‌های مایل (مانند اعراب امروزی) و حرکت‌ها را با دایره‌های رنگی کوچک نشان می‌دادند.

د: نوشته‌هایی که نقطه‌گذاری و اعراب در آنها به شکل امروزی است.

گویا کهن‌ترین نسخه‌ی قرآن که تاریخ کتابت دارد، با شماره ۱۶۲ در موزه‌ی قم نگهداری می‌شود. قرآن یاد شده منسوب کوفی و قطع خستی است و تاریخ ۱۹۸ ق. دارد. قرآنی به خط ابن مقله (۲۷۲-۳۲۸ ق) در موزه‌ی هرات و قرآن دیگری نیز به خط وی در چهارصد و سه صفحه در قطع ۱۲x۱۹/۵ cm که در مکتبه الرضا، رامپور هند نگهداری می‌شود. همچنین قرآنی به خط علی بن هلال، ابن بواب (ف ۴۱۳ ق) که در تاریخ ۳۹۱ ق. به خط نسخ ریحانی نوشته شده و اکنون در موزه‌ی چستریتی انگلستان نگهداری می‌گردد.^۸

سه نمونه یاد شده نخست در نشانه‌گذاری (الف ب و ج) در نسخه‌هایی که تا اواخر سده‌ی چهارم هجری نوشته شده است، به چشم می‌خورد. نمونه‌ی (د) در سده‌ی پنجم و پس از آن شکل گرفته و استفاده گردیده است. خط کوفی، پیش از خط نسخ قدیم (که از صدر اسلام در نوشتار وجود داشته است) تا اواخر عصر عباسی (۱۳۲-۶۵۶ ق) در گستره‌ی اقلیمی فراوانی به کار می‌رفته است. از مرزهای چین و هند تا یونان و شمال آفریقا و اسپانیا. این گستردگی جغرافیایی که در میان خط‌های اسلامی، تنها نصیب خط کوفی شد، سبب گشت تا امروزه بیش از چهل گونه از خط کوفی به جای بماند.

تنوع و گوناگونی میان شیوه‌های کوفی در کشورهای مختلف و نیز در سده‌های متفاوت، از کتابت تا کتیبه، بسیار بیش از تفاوت خط‌هایی چون رقع و توقیع است. اما به دلیل کم بودن افراد با سواد و اهل فرهنگ سبک‌های کوفی، چنان که باید از هم متمایز نگشت و نامگذاری دقیق و شایسته‌ای نیافت. گفتنی است که همزمان با خط کوفی، خط ساده‌تری هم که آن رانسخ قدیم می‌نامند، وجود داشته که دارای حروف نازک و مدور بوده و قلمتش همچون کوفی است و نباید این خط را با خط نسخ امروزی که از خط‌های ششگانه (سته) است، اشتباه کرد. خط کوفی در کشورهای عربی تا اواخر سده‌ی چهارم و در ایران و برخی مناطق دیگر تا اواخر سده‌ی ششم و گاه هفتم هجری به کار می‌رفته است. کاربرد کوفی در معماری سبب شد تا این خط تزئینات و ظرافت‌های بسیاری بیابد و همین نکته سبب کند

شدن نوشتار گشت و نیز خوانایی کوفی را کاهش داد. خطی که منسوخ‌کننده‌ی کوفی (در کتابت و نه در معماری) بود را نسخ نامیدند. این خط از نظر سرعت نوشتار و نیز خوانایی، بر کوفی برتری چشمگیری داشت و از سده‌های نخستین تا کنون به ویژه در کتابت متن‌های مقدسی چون قرآن، خط بلامنزاع به شمار می‌رود.

خط‌های ششگانه (سته)

گویند ابن مقله (شهادت ۳۲۸ ق) که تمثیل استادی در خط است، خط‌هایی را که از کوفی منشعب شده بود، تکمیل ساخت و اصل خط‌ها را بر مبنای سطح و دور پایه‌گذاری کرد. وی یگانه واضح خط‌های ششگانه (که عبارت است از: نسخ، ثلث، محقق، ریحان، توقیع و رقع) نبوده است، چرا که نمونه‌هایی از این خط‌ها پیش از وی نیز کتابت شده است.

با دقت در ساختار این شش خط در می‌یابیم که بنیاد و شالوده‌ی آنها، بسیار نزدیک به هم است. نمونه را خط محقق و ریحان، تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. از این رو تنها نام‌گذاری، سبب جدا شدن بیشتر این خط‌ها از یکدیگر شده است. تفاوت‌هایی که خط توقیع و رقع دارند، به مراتب کمتر از تفاوت شیوه‌های گوناگون خط کوفی است. نمونه شیوه‌های گوناگون خط کوفی در ایران از کتابت تا کتیبه، تفاوت‌های بنیادی و ساختاری فراوان‌تری دارند، اما به دلایلی همگی آنها مجموعه‌ی کوفی قرار گرفته‌اند، در حالی که درباره‌ی خط‌های ششگانه این چنین نیست و با اندک تغییری، نام مستقل به خود گرفته‌اند.

همین شباهت فراوان و ساختاری سبب شد که تنها خط ثلث (به نمایندگی از محقق، ریحان، توقیع و رقع) و خط نسخ که ساختاری متفاوت از دیگران دارد، تا امروز زنده و استوار بماند.

دلیل دیگری که سبب از میان رفتن چهار خط از خط‌های ششگانه شد، پیدایش خط‌های ایرانی همچون تعلیق و نستعلیق بود که از سده‌های هشتم و نهم در کتابت، کاربرد بسیار یافت. خط ثلث هر چند که امروزه در کتابت نیز نقش بسزایی دارد، اما کاربرد فراوان آن در کتیبه‌نویسی بناها بوده است. در نتیجه خط نسخ در کتابت و نوشتار، طولانی‌ترین عمر را در میان خط‌های اسلامی داراست. نمونه‌های بازمانده‌ی خط نسخ از سده‌ی چهارم تا کنون (سده‌ی پانزدهم هجری) شامل یازده سده می‌شود. خط نسخ در کنار خط کوفی و نستعلیق، سه خط اصلی در کتابت و کتاب آرایبی به شمار می‌رود، البته دامنه‌ی کاربرد خط کوفی یا نستعلیق، بیش از شش سده نبوده است.

دیگر خوشنویس برجسته‌ی سده‌های نخستین، علی بن هلال معروف به ابن بواب (ف ۴۱۳ ق) است که در قواعد نقطه‌گذاری و یکدست کردن اصول خط‌های ششگانه نقش برجسته‌ای داشته است. از مقایسه‌ی قرآنی که وی در سال ۳۹۱ ق.



نمونه‌های کهن آن به سده‌ی نخست میلادی بازمی‌گردد. آرامیان گویا در حدود هزاره‌ی دوم پیش از میلاد به بین‌النهرین و سوریه‌ی شمالی روی آورده و در آنجا اقامت گزیدند. خط آرامی منشعب از خط فنیقی است. خط فنیقی از سویی خط یونانی را به وجود آورد که مادر خط‌های اروپایی است و از دیگر سو تمام خط‌های سامی و گاه غیر سامی را پدید آورد. به جز نبطی، خط‌های عبری، پالمیری و سریانی نیز از آرامی منشعب شده‌اند. از خط نبطی، خط سینایی نو به وجود آمد که از سده‌ی نخست پیش از میلاد تا سده‌ی چهارم میلادی در شبه جزیره‌ی سینا رایج بوده است. خط کوفی و نسخ قدیم که مادر تمام قلم‌های اسلامی به شمار می‌رود، از خط سینایی نو اقتباس شده است.

تحول خط عربی را پیش از ظهور اسلام در این آثار بازمانده می‌توان بررسی کرد:

- ۱) نوشته‌ای در مدائن صالح (الحجر) به سال ۲۶۷ م.
- ۲) نوشته‌ای در ام‌الجمال (درحوران در شرق اردن) به سال ۲۷۰ م.
- ۳) نوشته‌ای در النماره (شرق جبل‌الدروز) به سال ۳۲۸ م. که نخستین نوشته‌ی بازمانده به زبان نزدیک به لهجه‌ی قریش به شمار می‌رود.
- ۴) نوشته‌ای در زبد (خرابه‌ای در جنوب شرقی حلب) به سه خط یونانی، سریانی و عربی به سال ۵۱۲ م.
- ۵) نوشته‌ای در حران (سوریه) به سال ۵۶۸ م.

مهم‌ترین نقش خط در زمان پیامبر اسلام، ثبت و نگهداری کلام الهی و گسترش این آیین بود. از این رو خوشنویسی والاترین هنر اسلامی به شمار رفته است. قرآن موجود، چنان که گزارش کرده‌اند، به دستور خلیفه‌ی اول، ابوبکر و به دست زید بن ثابت گردآوری گشت و بعدها در زمان عثمان از روی آن نسخه‌برداری گردید. زید گوید: ابوبکر پس از جنگ یمامه که شمار بسیاری از یاران پیامبر و قاریان

قرآن کشته شدند، به دنبال من فرستاد و گفت: اینک عمر حاضر است و می‌گوید: قاریان قرآن در یمامه شهید شده‌اند و اگر پیشامدی چنین تکرار شود، خوف آن است که قسمتی از قرآن را که آنان حفظ هستند، از میان برود. تو چون مردی عاقل و از کاتبان وحی هستی و به تو اطمینان است، قرآن را جمع‌آوری نما. پس من قرآن را از روی نوشته‌های اصلی و صدور رجال گردآوری کردم. پس از درگذشت عمر، مصحف نزد دخترش حفصه (همسر پیامبر) نگهداری می‌شد تا سال بیست و دو هجری در زمان خلافت عثمان، اختلافاتی در قرائت قرآن مشهود گردید. از این رو به دستور خلیفه، قرآن را از حفصه برای نسخه‌برداری گرفتند و از روی آن به دست زیدبن ثابت (کاتب اصلی) و به همیاری عبدالله بن زبیر و عبدالرحمان بن هشام (اعضای اسبق لجنه‌ی جمع قرآن) و سعید بن عاص، چند نسخه نویسانیده و پس از بازگرداندن نسخه‌ی اصلی به حفصه، یکی از نسخه‌های مکتوب را در مدینه نزد خود نگهداری نموده، دیگر نسخه‌ها را به کشورهای اسلامی بزرگ فرستاد.^۷

خط عربی نخستین، اعراب و نقطه‌گذاری درست و دقیقی نداشت و در نتیجه امکان بروز نادرستی در نوشتن و خواندن کلام الهی وجود داشت. پس لازم بود که این خط، به سرعت، به سوی دقت و زیبایی گام بردارد. از جمله کسانی که در اعراب‌گذاری کوفی کوشیدند، ابوالاسود دؤلی (ف ۶۸۸ م.) است. گفتنی است در این خط، نخست اعراب اضافه گشت و سپس نقطه‌ی حروف. چرا که ساختار زبان عربی به گونه‌ای است که تغییر حرکات حرف‌ها سبب تغییرات فاحش در معنا و مفهوم می‌شود. در نسخه‌های بازمانده از این خط به چهارگونه نشانه‌گذاری برمی‌خوریم.

الف: نوشته‌هایی که تنها اعراب دارند. اعراب در این نمونه‌ها به شکل دوایر قرمز رنگی است که اگر پایین حرف قرار گیرد، کسره است. اگر بالای حرف باشد، فتحه و اگر

از کاتبان زبردست این دوره، باید شاه محمود نیشابوری (ف حدود ۹۹۰ ق) و باباشاه اصفهانی (ف ۹۹۶ ق.) را نیز نام برد. از شاه محمود نیشابوری به جز ده‌ها نسخه‌ی خطی، قرآنی به خط نستعلیق^{۲۰} باقی مانده است که به گمان، نخستین قرآن به این قلم است. نسخه ارزشمند دیگر، خمسه‌ی تهماسبی (در ۹۴۷ ق.) است که از کتاب‌های مصور کم نظیر فارسی به شمار می‌رود. از بابا شاه اصفهانی نیز به جز نسخه‌هایی چون سلسله الذهب جامی^{۲۱} (۹۷۷ ق.)، رساله‌ای در آموزش خوشنویسی به نام آداب المشق به یادگار مانده که بدیختانه چند بار به نام میرعماد چاپ و منتشر شده است.^{۲۲} ضمناً نهضت تدوین مرقعات نفیس در سده‌ی دهم به اوج خود می‌رسد.

نستعلیق نویس بزرگ دوره‌ی صفویه، میرعماد حسنی قزوینی (مق ۱۰۲۴ ق) است که افزون بر حدود ده نسخه‌ی خطی، صدها قطعه چلیپا به یادگار گذاشته است. از جمله شاگردان میرعمادند: نورای لاهیجی، محمد صالح خاتون آبادی، رشیدی دیلمی، عبدالجبار اصفهانی، سید علی‌خان تبریزی و ابوتراب اصفهانی. خوشنویس هم دوره‌ی میرعماد که رقیب وی نیز به شمار می‌رفته است، علیرضای تبریزی (عباسی) است که تا حدود سال ۱۰۳۸ ق. می‌زیسته است و به جز نستعلیق، در شمار استادان خط ثلث نیز قرار دارد. از کتیبه‌های ثلث وی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف: سردر ورودی عالی قاپوی قزوین

ب: سردر ورودی و گلوی زیر گنبد مسجد شیخ لطف الله اصفهان

ج: سردر ورودی مسجد جامع اصفهان
وی در قلم نستعلیق نیز به جز قطعه‌های بسیار زیبایی همچون مناجات نامه‌ی خواجه عبدالله انصاری، کتیبه‌های ضریح طلای آستان قدس در مشهد را نیز به خط نستعلیق عالی نگاشته که سازنده‌ی این کتیبه مست علی زرگر است.

از اواخر سده‌ی دهم که نستعلیق به اوج زیبایی می‌رسد، زمزمه‌های پیدایش شکسته‌ی نستعلیق به گوش می‌رسد. خط شکسته که آخرین خط ابداعی تاریخ خوشنویسی ایران به شمار می‌رود بر خلاف خط بنایی (معقلی) که تماماً دارای سطح است، شامل پیچ و خم‌های فراوانی است تا جایی که در خط شکسته، سطح به ندرت دیده می‌شود و تمام حروف و اتصالات با دور و انحنای همراه است. پیشگامانی که در قانونمند کردن شکسته‌ی نستعلیق، سهم بسزایی دارند، محمد شفیع حسینی هروی معروف به شفیعا (۱۰۸۱ ق) و مرتضی قلیخان شاملو (حدود ۱۰۷۷ ق) هستند. سپس کتاب‌ها و مرقعات بسیاری در اواخر سده‌ی یازدهم و اوایل سده‌ی دوازدهم به دست استادان شکسته نویس رقم زده شده است: میرزا حسن کرمانی، محمد حسن قمی، محمد ابراهیم قمی، محمد افضل گنابادی، محمد علی اصفهانی و زین العابدین کرمانی. شکسته

نویس بزرگ سده‌ی دوازدهم که این خط را به زیباترین ترکیب‌های ممکن رساند، درویش عبدالمجید طالقانی (۱۱۸۵ ق.) است که با وجود عمر سی و پنج ساله، صدها قطعه و چندین کتاب ارزشمند از وی به یادگار مانده و همچنین دیوان شعری نیز بالغ بر ۱۱۸۵ بیت از خود به جای گذاشته است.

پس از وی خط شکسته را میرزا کوچک اصفهانی و محمد رضا اصفهانی (شاگردان درویش) و سپس سید علی نیاز شیرازی و خاندان انجوی ادامه دادند. آخرین استادان این خط در اواخر قاجاریه، ابوالفضل ساوجی (۱۳۱۲) و علی اکبر گلستانه (۱۳۱۹ ق.) اند.

به موازات به اوج رسیدن خط شکسته در سده‌ی دوازدهم، خط نسخ نیز به دست خوشنویسانی چون محمد ابراهیم قمی، میرزا احمد نیریزی^{۲۳} و محمد هاشم زرگر به کمال گرایید.

از خاندان وصال شیرازی^{۲۴} (۱۲۶۲ ق.) که بگذریم، در دوره‌ی قاجاریه، نستعلیق جان تازه‌ای می‌یابد و این خط بیش از پیش از کتابت خارج شده و در عرصه‌ی قطعه‌نویسی و کتیبه‌نویسی، خودنمایی می‌کند.

آثاری به‌جا مانده از این دوره به چند گرایش تقسیم می‌شوند.

الف: کتاب‌های پرکاری چون الف لیله و لیله (در شش مجلد به خط محمد حسین طهرانی در ۱۲۶۹ ق.) و نیز قرآنی به خط نستعلیق (نوشته‌ی اسدالله شیرازی در ۱۲۶۸ ق.) که هر دو در کتابخانه‌ی کاخ گلستان نگهداری می‌شود.

ب: کتاب‌ها و روزنامه‌های چاپ سنگی (که به خط هنرمندانی چون میرزا رضا کلهر و محمد شریف قزوینی نوشته می‌شد.)

ج: کتیبه نگاری و کاربردهای معماری (که به دست خوشنویسانی چون میرزا آقا و ابراهیم طهرانی رقم می‌خورد.)

د: قطعه‌نویسی که بیشتر شامل سیاه مشق، چلیپا و سطر می‌باشد و بسیاری از آثار خوشنویسانی چون میر حسین خوشنویس باشی (۱۳۰۰ ق.)، میرزا غلامرضا اصفهانی (۱۳۰۴ ق.) و میرزا کاظم تهرانی (۱۳۲۵ ق.) در این قالب است. آخرین استاد اواخر قاجار و اوایل پهلوی که بسیاری از معاصران میراث‌دار وی‌اند، محمد حسین عماد الکتاب (۱۳۱۵ ش) است که با طراحی و چاپ رسم الخط و نیز تغییراتی در روش آموزش خوشنویسی، جایگاه ویژه‌ای در سیر تکاملی این هنر در دوره‌ی معاصر یافته است.

با خلاصه کردن تاریخ عظیم خط، کتابت و خوشنویسی، طبیعتاً کاستی‌ها و جا افتادگی‌هایی نیز رخ خواهد داد که این گفتار نیز از آنها برکنار نیست.

من از مفصل این باب مجملی گفتم

تو خود ز مجمل من رو مفصلی برخوان

(کمالی)

نوشته است با قرآن‌های کنونی، در می‌یابیم که از نظر فواصل سطرها، حاشیه‌ها و کتاب آرایه، از سده‌ی چهارم تا کنون تغییر خاصی در کتابت قرآن رخ نداده است. از هنرمندان گمنام سده‌های پنجم و ششم که بگذریم، به هنرمند دیگری از خطه‌ی خط و خوشنویسی می‌رسیم، یاقوت مستعصمی (ف ۶۹۸ ق) که به جز قطعات فراوان، قرآن‌های متعددی را کتابت کرده است و از آن جمله: - قرآن به خط نسخ خفی و سرسوره‌های ثلث و تاریخ ۶۳۰ در کتابخانه‌ی کاخ گلستان

- قرآن به خط ریحان (ممتاز) در ۶۰۱ صفحه‌ی ۱۳ سطری، قطع رحلی (۳۴/۵x۲۴/۵) و تاریخ ۶۸۵ ق. در موزه‌ی ملی ایران (دوران اسلامی)

سده‌ی هشتم از دوره‌های درخشان هنر خط است. دو جریان مهم این سده عبارت است از:

الف: شاگردان بی‌واسطه‌ی یاقوت^۹ که سبب گسترش و بالا رفتن سطح کیفی خوشنویسی در نسخه‌های خطی شدند. از آن جمله‌اند: احمد بن سهروردی، یوسف مشهدی، سید حیدر جلی نویس، ارغون کاملی، نصرالله طبیب عراقی و مبارک شاه زرین قلم تبریزی که بیشتر نسخه‌های نفیس این دوره به خط ایشان است. ب: هنرمندانی که از قلم‌هایی چون توقیع و رقا، دست به ابداع خطی به نام تعلیق زدند، خط تعلیق در این دوره به دست هنرمندانی چون: خواجه تاج سلمانی اصفهانی، عبدالحی منشی استرآبادی، درویش عبدالله سلطانی، شهاب‌الدین عبدالله مروارید و سپس خواجه اختیار منشی گنابادی و نجم‌الدین مسعود ساوجی به اوج کمال رسید. از آخرین استادان خط تعلیق، محمد کاظم واله‌ی اصفهانی (۱۲۲۹ ق) است که سنگ مزار زیبای وی در اصفهان نیز به خط خودش می‌باشد.

از استادان بزرگ سده‌ی نهم و دهم باید به عبدالله صیرفی، بایسنقر میرزا، سلطان ابراهیم، شمس بایسنقری، عبدالله طباطبائی، کمال‌الدین حسین هروی، علاء‌الدین تبریزی و عبدالباقی تبریزی اشاره کرد.

از اواخر سده‌ی هشتم، کاربرد خطوط ششگانه در ایران رو به کاهش رفت و بیشتر نسخه‌های موجود به خط نسخ یا به ندرت تعلیق نوشته شد. در این دوره خط تعلیق را به خط‌های ششگانه (سته) اضافه کردند تا خط‌ها هفتگانه (سبعه) شود. دومین خط ویژه‌ی ایرانیان نیز از اواخر همین سده، پیدایش خود را اعلام کرد. درباره‌ی علت نامگذاری خط نستعلیق که عروس خطوط اسلامی خوانده شده است، دو نظر وجود دارد:

الف: این خط از ترکیب خط نسخ و تعلیق پیدا شده است:

وضع فرمود او ز ذهن دقیق

از خط نسخ و از خط تعلیق^{۱۰}

ب: این خط نسخ‌کننده‌ی تعلیق است و با رونق گرفتن (نستعلیق)، خط تعلیق منسوخ شده است.

میرعلی تبریزی (ف ۸۵۰ ق) نخستین کسی است که خط نستعلیق را قانونمند ساخت و نامش در شمار واضعان خط ثبت شده است.

نستعلیق اگر خفی و جلی است

واضع الاصل خواجه میرعلی است

تا که بوده‌ست عالم و آدم

هرگز این خط نبوده در عالم

کاتبانی که کهنه و نویند

خوشه چینان خرمن اویند^{۱۱}

سید علی آن جهان تحقیق

شد واضع خط نستعلیق^{۱۲}

البته تا کنون نسخه‌ای که قطعاً به خط وی باشد، شناسایی نشده و تنها آثاری به وی منسوب است. گفتنی است که نسخه‌هایی نیز دیده شده که پیش از میرعلی تبریزی به خط نستعلیق متوسط و نایخته نوشته شده است. از جمله مجموعه اشعاری به خط معروف بغدادی که پیش از ۷۸۸ ق. کتابت شده و اکنون در کتابخانه‌ی کاخ گلستان نگهداری می‌شود و نیز نسخه‌ای از دیوان سلطان احمد جلایر که به خط صالح بن علی رازی در سال ۸۰۰ ق. به قلم نستعلیق است و اکنون در کتابخانه‌ی مسجد ایاصوفیه‌ی استانبول است.^{۱۳}

پس از میرعلی تبریزی، مشهورترین نستعلیق‌نویس، جعفر تبریزی (بایسنقری) است که پیش از شاهنامه‌ی مشهور به بایسنقری^{۱۴} (کتابت شده در ۸۳۳ ق.)، آثاری چون: خسرو و شیرین نظامی^{۱۵} (۸۲۴ ق.)، دیوان حسن دهلوی سجزی^{۱۶} (۸۲۵ ق.) و گلستان سعدی^{۱۷} (۸۳۰ ق) را کتابت کرده است.

از جمله خوشنویسان گمنام سده‌ی نهم، محمد امامی هروی است که نسخه‌ای از کتابت انیس العشاق به خط نستعلیق عالی وی (در ۸۸۷ ق) در کتابخانه‌ی کاخ گلستان است.

دیگر خوشنویس این دوره، اظهر تبریزی (ف ۸۸۰ ق) است که شاگردانی چون سلطانعلی مشهدی و سلطانعلی قاینی را تربیت کرده است. سلطان علی مشهدی (ف ۹۲۶ ق.) به جز کتاب‌ها و قطعه‌های فراوانی که نگاشته، سراینده‌ی یکی از مفیدترین رساله‌های آموزشی خوشنویسی است. رساله‌ی صراط السطور وی بالغ بر ۲۸۰ بیت و در سال ۹۲۰ ق. سروده شده است. بزرگترین نستعلیق‌نویس سده‌ی دهم، میرعلی هروی (ف ۹۵۱ ق.) است که به جز قطعات بسیار ممتاز در مرقع گلشن، آثاری از جمله: هفت اورنگ جامی^{۱۸} (۹۲۸ ق.) و بوستان سعدی^{۱۹} (۹۳۲ ق.) نیز از وی به یادگار مانده است.

از شاگردان میرعلی هروی می‌توان سید احمد مشهدی، محمود شهبایی، مالک دیلمی و محمد حسین کشمیری را نام برد. دیگر خوشنویس سده‌ی دهم محمد حسین تبریزی (ف ۹۸۵ ق.) است که شاگردانی چون علیرضای عباسی (تبریزی) و میرعماد قزوینی را پروراند.

Culture and Memory in Medieval Islam

edited by farhad Daftary Josef W.Meri

Culture and Memory in Medieval Islam
edited by farhad Daftary Josef W.Meri

کتاب حاضر به بررسی طیف گسترده‌ای از مطالب و موضوعات مرتبط در زمینه‌های تاریخی، حقوقی، ادبی و معماری پرداخته است. در این بین عده‌ای از محققین برجسته و ممتاز چون عباس امانت، ایرنه بیرمن، التون دانیل، جورج مک دیسی، روی متحده، اندرو نیومن، پول ای. واکر به بررسی فهرست‌ها و نقشه‌ها و نحوه‌ی انتقال دانش و سنن از دوره وسطی به زمان‌ها اخیر، و همچنین افراد، سلسله‌ها و تمدن‌ها در آثار ادبی و تاریخی و در زمینه‌ی سکه‌شناسی و... پرداخته‌اند. فرهاد دفتاری، رییس بخش تحقیقات و انتشارات دانشگاهی در انستیتو مطالعات اسماعیلیه و همچنین نویسنده‌ی آثاری در مورد اسماعیلیه است مانند: تاریخ و نظریه‌های آنها، افسانه‌های حشاشین، سنت‌های روشنفکری در اسلام که توسط انتشارات I.B.Tauris منتشر شده‌اند. جوزف وی. مری متخصص در زمینه خاورمیانه و تاریخ اسلامی است و در زمینه‌ی مطالعات خاور نزدیک در دانشگاه کالیفرنیا برکلی فعالیت دارد. اثر حاضر در ۲۰۰ صفحه، با جلد گالینگور و قیمت ۲۵ پوند توسط انتشارات آی بی تارپس و همکاری انستیتو مطالعات اسلامی در سپتامبر ۲۰۰۲ منتشر شده است.

ISBN: 1 86064 8592

پی نوشت‌ها:

1. Anubanini
2. Lulubi
3. Georg Friedrich Grotefend
۴. برای چگونگی رمزگشایی نگاه کنید به: زبان‌های خاموش، ص ۵۳.
5. Henry Rawlinson
۶. در دوره‌ی ساسانی زبان اوستایی متروک گشته بود اما چون مطالب کتاب اوستا سینه به سینه محفوظ مانده بود، برخی از موبدان زرتشتی به ابداع این خط دست زدند.
۷. کتاب و کتابخانه در اسلام. کاظم مدیرشانه چی، ص ۱۱۴ تا ۱۱۶.
۸. همان. ص ۱۳۴.
۹. بنا به پژوهش‌های اخیر، برخی از این هنرمندان، نمی‌توانند شاگرد یاقوت باشند.
۱۰. رساله‌ی صراط السطور، سلطان علی مشهدی، سروده شده در ۹۲۰ ق.
۱۱. همان.
۱۲. رساله‌ی آداب الخط. مجنون رفیقی هروی، سروده شده در اواسط سده‌ی دهم ق.
۱۳. احوال و آثار خوشنویسان. مهدی بیانی، ص ۴۴۳.
۱۴. در کتابخانه‌ی کاخ گلستان.
۱۵. در انستیتوی زبان‌های شرقی لنین گراد
۱۶. در کتابخانه‌ی مجلس شورا
۱۷. در کتابخانه‌ی Chester Beathy انگلستان
۱۸. در کتابخانه‌ی کاخ گلستان.
۱۹. در کتابخانه دانشگاه استانبول. در همین کتابخانه نسخه‌ی دیگری نیز از بوستان با تاریخ ۹۱۹ ق. دارد.
۲۰. در موزه‌ی توپ قاپی استانبول نگهداری می‌شود و تاریخ ۹۴۵ ق. دارد. اندازه‌ی آن ۳۷/۵×۲۶/۷ سانتی متر است.
۲۱. در کتابخانه‌ی کاخ گلستان
۲۲. اگر چه نسخه‌ی از این رساله به خط میرعماد نیز وجود دارد اما نسخه‌ی به خط باباشاه در دانشگاه پنجاب لاهور وجود دارد که رقم: «کاتبه و مصنفه» دارد.
- ۲۳- وی علاوه بر ده‌ها قرآن، صدها ادعیه، سور و قطعه را به خط نسخ و رقاع تحریر کرده است.
- ۲۴- وی شش فرزند هنرمند دارد که همگی به جز خوشنویسی در دیگر هنرها نیز دستی دارند. از این قرار: وقار، حکیم، داوری، فرهنگ، توحید و یزدانی.

کتابنامه:

- ۱- احوال و آثار خوشنویسان. مهدی بیانی، انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- ۲- تاریخ خط‌های جهان. یوهانس فریدریش، ترجمه فیروز رفاهی، انتشارات دنیا، ۱۳۶۸.
- ۳- رسالتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته. حمید رضا قلیچ خانی، نشر روزنه، ۱۳۷۳.
- ۴- زبان‌های خاموش. یوهانس فریدریش، ترجمه دکتر یدالله ثمره و دکتر بدرالزمان قریب، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ۵- فهرست نسخه‌های خطی فارسی. احمد منزوی، مؤسسه فرهنگی منطقه‌یی، ۱۳۴۹.
- ۶- کتابت زبان‌های ایرانی. حبیب برجیان، انتشارات سروش، ۱۳۷۹.
- ۷- کتاب و کتابخانه در اسلام. کاظم مدیر شانه چی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۴۰.